

تعریف دوباره فقر در افغانستان

دهه ها جنگ در افغانستان باعث شد تا در مورد کاهش سطح فقر و تدوین سیاست های توسعه اقتصادی توجه صورت نگیرد. هدف این خلاصه پالیسی، آغاز بحث در مورد راه های تقویت تلاش ها برای کاهش فقر و هموار کردن مسیر جهت دستیابی به هدف اول توسعه پایدار که عبارت از **خاتمه دادن به فقر در تمام اشکال آن در همه جا**، میباشد.

همانطور که نکات ذیل نشان می دهد، رویکردهای جدیدی نیاز است؛ که از جمله پیروی از "معیارهای پاریس" در بسیج کردن کمک های خارجی برای مقابله با فقر باید در درجه نخست باشد. کاهش فقر باید در اولویت نهادهای متعدد دولتی و فراتر از مفروضات فعلی باشد. با فقرا نباید به گونه آماری و یا هم به عنوان یک دسته جنسی و بی چهره، بی سر و صدا رفتار شود که ضمانتی برای جلب پول از سوی کمک کنندگان باشند. بناء لازم است تا:

مبارزه با بی عدالتی و دلایل ساختاری فقر، دوام دادن به ارائه خدمات و رسیدگی به بیکاری رو به رشد:

تا سال ۲۰۱۸ در افغانستان ۵۴/۵ فیصد مردم زیر خط فقر زندگی می کردند، که نسبت به سال های گذشته به گونه دوام دار کم شده است. عده ای دلیل این امر را به افزایش بی عدالتی علیرغم رشد اقتصادی در دوره قبل از انتقال نسبت داده اند. رشد اقتصادی آهسته بوده و افزایش نفوس از آن پیشی گرفته، که این امر نیز امکان اشتغال را محدود می کند. فقر در افغانستان نیز یک موضوع مکانی بوده و بیشتر در مناطق روستایی متمرکز است.

تدوین سیاست ها و برنامه های موثر که با فکتور های مشترک مانند محیط زیست و مهاجرت روستایی - شهری سر و کار دارند: در صورت بروز بلایای طبیعی و بروز فاجعه محیطی از جمله خشکسالی، افراد فقیر به ویژه زنان و کودکان این مشکلات را تحمل خواهند کرد. مهاجرت روستایی- شهری و شهرنشینی سریع همچنان مراکز شهری را که در حال انفجار درزها هستند متلاشی می کند. در کل، تأثیر منفی این روندها، سیاست های ضعیف و تصمیم گیری دولت را نشان می دهد.

طراحی مداخلات را برای رشد فقرا و افزایش سرمایه انسانی: بحث در مورد کاهش فقر در افغانستان باید فراتر از یک تمرکز ساده بر روی «اشتغال زایی» و فرصت های کوچک شغلی در چرخه پروژه و برنامه باشد. شواهد نشان می دهد که رشد، فقر و بی عدالتی با هم مرتبط هستند، که سرعت و الگوی رشد اقتصادی تعیین کننده چگونگی کاهش فقر است.

جامعه مدنی و سازمان های غیردولتی باید دانش اقتصادی و سیاسی خویش را ارتقا دهند؛ در مورد وضعیت افغانستان در جامعه بین المللی و تأثیر سیاست های اقتصادی ضعیف بر فقرا صحبت کنند و برای داشتن سیاست های اقتصادی خوب و شفافیت مالی و مسئولیت پذیری در سطح جهانی، منطقه ای و ملی لابی کنند.

موقعیت جغرافیایی و مرزها بر نحوه اتصال کشوری مانند افغانستان به اقتصاد جهانی تأثیر گذار بوده و سیاست اقتصادی محلی عامل مهمی در فقر و بی عدالتی است. هژمونیک ذهنیت "فساد اداری عامل ایجاد فقر است"، نباید به آن اندازه عمومی شود که مسائل خط مشی را از گفتمان سیاسی به حاشیه براند.

وابستگی به تمویل کنندگان و سوء استفاده از پول: اینکه ۶۶ فیصد بودجه دولت افغانستان در سال ۱۳۹۶ با تکیه بر کمک تمویل کنندگان و همکاری کمک های بین المللی تکمیل شده، مشکل ساز بوده است. مسئولیت تمویل کنندگان و مداخله کنندگان به گونه ای که نتایج مداوم در جدول زمانی پروژه باید ارائه شود، طراحی

شده است. با این وجود باید توجه داشت که هماهنگی و هم‌ردیفی بهتر از طریق برنامه‌های اولویت ملی (NPP) و تقویت هیئت نظارت بر هماهنگی مشترک صورت می‌گیرد.

مبارزه با فساد و غارت ثروت افغانستان توسط اشراف داخلی ادامه دارد:

قدرت و استقلال اشراف یک مشکل بسیار متداول در کشورهای در حال توسعه است، شخصی سازی بخش امنیتی توسط اشراف و جنایتکار-سیاسی مانع دسترسی مردم به ثروت، تولیدات و فرصت‌ها در افغانستان می‌گردد. در این مورد هیچ جای بحث نیست؛ به عنوان مثال، استخراج غیرقانونی منابع طبیعی در مقیاس بزرگ و عدم توانایی دولت در به دست آوردن سرمایه اشراف افغانستان از بانک‌های خارجی. گفتمان عملی برای مقابله با فقر باید در محور بحث‌های رفع فساد باشد.

متوقف کردن کسانی که از فقرا برای جذب کمک‌ها سوءاستفاده می‌کنند، به گفته‌های فقرا باید گوش داد، اطمینان حاصل شود که آنها به طور فعال دخیل در برنامه‌ریزی اند، نه اینکه فقط گیرندگان کمک‌های طراحی شده خارجی باشند. اکثر پرونده‌هایی که به نمایندگی از فقرا است در واقع در برابر فقرا غیر مسئولانه و بی ارزش هستند.

"نویسنده‌های این خلاصه پالیسی" تأثیر گذاری گروه با سواد و غالب انگلیسی زبان را از يك توده بزرگ غیر انگلیسی و یا بی سواد جدا می‌کند، تا حد زیادی از آنچه به نام آنها و به نفع آنها تصمیم می‌گیرد، بی خبر است.